

# نمادهای اسطوره‌های

و

## روان‌شناسی زنان

(متن کامل)

کهن‌الگوها و سبب‌شناسی که درون زنان می‌زیند  
(با مقدمه جدید، ۲۰۱۴)

جین شینودا بون

مینو پرنیانی



آشیان

Jean Shinoda Bolen  
*Goddesses in Everywoman*(2014)

سرشناسه	: بولن، جین شینودا Jean Shinoda.Bolen
عنوان و نام پدیدآور	: نمادهای اسطوره‌ای و روان‌شناسی زنان: کهن‌الگوهای قدرتمندی که درون زنان می‌زیند
مشخصات نشر	: تهران: آشیان، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	: ۴۳۲ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۹۳-۱۴-۰
ضمیمت فهرست‌نویسی	: فیبای مختصر
یادداشت	: عنوان اصلی: Goddesses in Everywoman
شماره افزوده	: پرنیانی، مینو، ۱۳۳۹، مترجم
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۶۸۰۵۶



آشیان

شینودا بولن  
نمادهای اسطوره‌ای و روان‌شناسی زنان  
(متن کامل)

مترجم: مینو پرنیانی

طراحی و آماده‌سازی روی جلد: پونه ناجیا

حروفچینی و صفحه‌آرایی: زهرا عزیز

چاپ اول ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال

مرکز فروش: خیابان انقلاب، خیابان اردیبهشت، خیابان شهدای ژاندارمری، بن‌بست

مرکزی، پلاک ۱، تلفن: ۶۶۹۶۵۳۷۷-۶۶۹۷۲۷۹۲

Ashian2002@yahoo.com

ISBN: 978-600-7293-14-0

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۹۳-۱۴-۰

## گفتاری از مترجم

به عنوان مشاور، اگر قرار باشد از میان مکاتب و روانشناسان مختلف، بگویم که به کدام مکتب و روانشناس بیش از همه علاقمندم و گرایش دارم، بدون کمترین تردیدی، کارل گوستا و یونگ را انتخاب می‌کنم. مفاهیم ناخودآگاه جمعی، کهن‌الگوها، اسطوره‌ها، اسطوره‌ها، آنیما و آنیموس و ... که این روانشناس بزرگ مطرح نموده، همواره جذاب‌ترین است. گرچه توفیق ترجمه کردن اثری از آثار ایشان را نداشته‌ام، اما کتاب "نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی زنان، با مقدمه جدید مؤلف در ۲۰۱۴" دومین اثریست که از خانم شینودا بولن پیشرو مکتب یونگ استخراج ترجمه آن نصیبم گردیده است.

دکتر سینا بون، روانشناس خلاق با دیدگاه جدیدی به اسطوره‌های کهن یونانی از منظر روانشناسی نگریسته‌اند. با اینکه زن هستم و گرچه گاهی برخی مرا فمینیست می‌دانند، دعوت می‌کنم که اصولاً علاقه‌ای به ایسم‌ها، از جمله مکتب فمینیسم ندارم. به خصوص از نوع تندرو آن. ضمن اینکه نظریات فمینیستی تضادها و تناقضات بسیاری در خود به خصوص در جوامع غربی دارد. بیش و پیش از هر چیز خود را یک انسان می‌دانم، یا حداقل آرزوی انسان شدن دارم؛ و هر یادآوری هر چه بیشتر و تأکید بر روی انسان شدن انسان.

آخرین نکته‌ای که به عنوان یک مشاور و آدم بسیار حساس<sup>۱</sup> (HSP) در این سطور مطرح می‌کنم آن است که بهتر است با دیدی انتقادی کتاب را خواند. تا هر میزانی که کتاب به کسب شناخت بیشتر از خود یا عزیزانتان کمک می‌کند، آن را به کار بندید و از مابقی بگذرید.

م.پ

زمستان ۹۴

---

1- Highly Sensitive person

## فهرست مطالب

۹	قدردانی.....
۱۱	پیش گفتار: گفتاری از گلوریا اشتاینم.....
۱۷	مقدمه.....
۳۷	فصل اول: کهن‌الگوها یونانی.....
۵۳	فصل دوم: تعال کردن کهن‌الگوها.....
۶۵	فصل سوم: کهن‌الگوها دوشیزه.....
۷۹	فصل چهارم: ارتمن.....
۱۱۷	فصل پنجم: آتن.....
۱۵۷	فصل ششم: هستیا.....
۱۹۱	فصل هفتم: کهن‌الگوها اسید پند.....
۱۹۹	فصل هشتم: هرا.....
۲۳۷	فصل نهم: دیمیتر.....
۲۷۳	فصل دهم: پرسفون.....
۳۰۷	فصل یازدهم: کهن‌الگوی کیمیاگر.....
۳۱۷	فصل دوازدهم: آفرودیت.....
۳۵۱	فصل سیزدهم: سیب طلایی.....
۳۶۹	فصل چهاردهم: قهرمان درون هر زن.....
۳۹۱	پیوست.....

## پیش‌گفتار (گفتاری از گلوریا اشتاینم)<sup>۱</sup>

مایلم شما را به خواندن این کتاب تشویق کنم، مخصوصاً اگر شما از آن دسته خوانندگانی هستید که، همچون من، حتی نسبت به موضوع کتاب مقاومت دارید. مگر می‌شود که کهن‌الگوها اسطوره‌ای و کهن، به تحلیل واقعیات امروزین، و یا آینده‌ای مساوات طلبانه کمک کرده، و مفید واقع شوند؟

بسیاری از ما، وقتی دوست قابل اعتمادمان، خرید کتابی را توصیه می‌کند، آن را می‌خریم. این‌بار هم از خرید این کتاب، آشنائیم با مؤلف آن دکتر شینودا بولن بود. او در زمانی شناختم که مسئول سازمان‌دهی گروهی از روانپزشکان برای طرح ERA بود. گری، آرمان و مردان عضو انجمن روانپزشکان آمریکا<sup>۲</sup> که تجارب حرفه‌ای‌شان، آنان را به این باور رسانده بود که طرح قانونی‌شدن یکسان‌سازی درمان، در بهبود روانی زنان نقش حیاتی دارد. در نتیجه طرحی را گذراندیم که از اصلاحیه یکسان‌سازی درمان حمایت می‌کرد.

کار گروهی، همیشه برآیندی از فعالیت تمامی افراد است، اما جین، سازمان‌دهنده شفاف، مؤثر و خودانگیخته، به نقطه با الهام بخشیدن به همکاران خود، چنین گروهی را تأسیس کرد، بلکه به نتیجه رسیدن این طرح، آن را سرپرستی کرد. او باعث شد تا در یکی از مشهورترین و تأثیرگذارترین سازمان‌های حرفه‌ای، تحولی صورت پذیرد. در همین حال که زن بود و اکثریت ۸۹ درصدی این سازمان را مردان تشکیل می‌دادند، آن‌چه موقعیت وی را دشوارتر می‌ساخت، اکثریت داشتن سفیدپوستان سازمان و بخصوص اینکه اکثریت ایشان، طرفداران نظام فرویدی بودند. به نظرم، وقتی

1 -GLORIA STEINEM

2 -American Psychiatric Association

پیشینه انجمن روانشناسان آمریکا، و احتمالاً پیشینه مسئولیت‌های اجتماعی این روانپزشکان به رشته تحریر درآید، فعالیت‌ها، و عملکردهای این زن ریزنقش با لهجه شیرینش، روشن خواهد شد.

وقتی مشغول خواندن فصل اول کتاب نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی زنان بودم، پژواک صدای قابل اعتماد وی را در تمامی جملات شفاف و به دور از فخر روشی وی می‌شنیدم، در ذهنم نسبت به کهن‌الگوها کهن‌الگویی، سوگیری عامی و تقدیرگرایانه‌ای می‌دیدم. هنگامی که یونگ<sup>۱</sup> و دیگران وجود چنین کهن‌الگوهایی،<sup>۲</sup> را در ناخودآگاه جمعی<sup>۳</sup> قائل شدند، با مخالفت آشکار یک یا هر دو قطب افرادی مرد / زن‌گرایان<sup>۴</sup> مواجه شدند، حتی آنان که خویشتن دارند، نه به اندازه زدی که در آن بخش انتهایی این طیف قرار می‌گیرند، اما به هر حال در پذیرش این نظریه مقاومتی نداشتند، که بارز نبود. مثلاً من نگران بودم که دیگران چه نوع استفاده‌ای از این کهن‌الگوها خواهند کرد؟ از طرفی نگران بودم که ممکن است زنانی باشند که ترویج به دست گرفتن محدودیت‌های خود و یا همانندسازی با یک نقش شوند.

توضیح درباره هر یک از کهن‌الگوها<sup>۱</sup> نه تنها نگرانی‌هایم را برطرف ساخت، بلکه مسیرهای نوینی را در فهم آنها بر من نشان داد.

این هفت کهن‌الگوی پیچیده به شیوه‌های گوناگون به واریسی و تجزیه و تحلیل و در عین حال تلفیق قرار می‌گیرند، و البته هر کدام درون خود هزاران ویژگی دارند، ما را از دسته‌بندی‌های ساده انگارانه و کلیشه‌ای چنین به دور / فاسد، مادر / معشوق که زنان را از دیرباز مورد آزار قرار داده، دور می‌سازد. بله، کهن‌الگوهای هستند که به هنگام ارتباط با یک مرد قدرتمند خود را آشکار می‌سازند، در دوران پدرسالاری<sup>۴</sup>، زندگی مخفی دارند، ولی ضمناً پنهان و آشکار،

1 - C.G.Jung

2 - Collective unconscious

3 - masculine / feminists

4 - patriarchies

قدرت خود را آشکار می‌سازند. گاهی هم در حیطة‌هایی چون امور جنسی، سیاست، روشنفکری و معنویات، الگوهای خودمختارانه‌ای از خود نشان می‌دهند. جالب اینجاست که ما را به یاد زنائی می‌اندازند که با یکدیگر پیوند خورده و به داد هم می‌رسند.

دوم اینکه، این کهن‌الگوهای پیچیده، ممکن است بنا به نیازها و شرایطی که زنی در آن قرار گرفته، برانگیخته و با یکدیگر درآمیخته شوند تا بخش‌هایی را یافته درونش را پوشش دهند. خلاصه بگوییم، نوع الگو و نقشی که یک زن ایفا می‌کند، چنین تأثیر بسزایی می‌تواند داشته باشد و البته اهمیتی که به فعال‌سازی آن به کار بردن کهن‌الگوی درون زن می‌دهیم.

محدود شدن در قالب یک یا چند کهن‌الگو توصیه نمی‌شود. از باهم بودنشان است که ویژگی‌های انسانی شکل می‌گیرد. در واقع، در دوران پیش از استیلای پدرسالاری، کهن‌الگوی بزرگی وجود داشت که با فروپاشی وی، این خرده کهن‌الگوها متجلی گشتند. شاید صورتی کل، اولین گام در راستای درک و فهم آن باشد.

حداقل فایده وجود کهن‌الگوها کهن‌الگویی در این نکته نهفته است که می‌توان بسیاری از الگوهای رفتاری و شخصیتی زنان را با وسیله ایشان تجزیه و تحلیل کرده و توضیح داد. بهترین فایده‌ای هم که از مفرد کهن‌الگوها می‌توان برد، این است که می‌توان با تجسم ایشان در ذهن، و تراخ کردن توانایی‌ها و ویژگی‌های مورد نیاز را در خود بیدار کرد.

ارزشمندترین نقش کتاب، لحظاتی است که تکه پازل‌های گسسته پیدا شده و همان طور که نویسنده آن اذعان می‌کند، می‌گوییم: «آها! لحظاتی شاخص، که موجب فهم و اندر یافتن می‌شوند، وقتی می‌فهمیم که آن چه

شخصاً تجربه کرده‌ایم، به واسطه این حقیقت بوده؛ "آره، پس به همین دلیل بود که..."، به این ترتیب آگاهی‌مان یک گام گسترش می‌یابد.

هر یک از خوانندگان کتاب، مطلب خاص خود را یاد گرفته و بهتر است که "آها!" های شخصی خود را داشته باشد. مثلاً من، وقتی بخش آرتمیس<sup>۱</sup> را می‌خواندم، آنجا که با دیگر زنان هم‌بیمان شده، در عین حال که آرزو می‌کردم ای کاش مثل مادرش نباشد، دیدم که به کمک شتافت، این موضوع را عمیقاً درک کردم. از اینکه این کهن‌الگوی تمثیلی کم‌پیدا در جوامع پدر سالارانه را در خود یافتیم، احساس غرور کردم. در عین حال فهمیدم که جنبه نهراسیدن از مخالف خرنی‌ها و مخالفت جویی‌ها و خودانگیختگی آرتمیسی را در خود نپرورده‌ام. پرسفون<sup>۲</sup> همان عواطفی را در آئینه نشانمان می‌دهد که همه در دوران نوجوانی تجربه کرده‌ام. نقاط ضعف و قوت وی را که دیدم، "آها!" های دیگر داشتم. چقدر حس چشم‌پوشا<sup>۳</sup> مانند پرسفونی برای آنکه دیگران توقعات و تصورات خود را بر وی فراقکمی ننند، برایش آشنا بود. اینکه تلاش کنی تا هویت‌های گوناگونی که در جوامع پدر سالارانه بر تو تحمیل می‌شوند را "از پس آن برآیی". از دیگر "آها!" گفتن‌هایم وقتی بود که: انبساط به کتابخوانی و عقل‌مداری که از ویژگی‌های آتنا<sup>۴</sup> است برخوردارم. یا درختی زیبا و پراکنده هرا<sup>۵</sup>، دیمیتر<sup>۶</sup>، پرسفون؛ و ارزش و اهمیتی که آفرودیت<sup>۷</sup> برای صمیمیت و خودانگیختگی در ارتباطات و کار خلاق قائل است.

چنانچه فاقد ویژگی‌های خاصی بوده و یا سر از رفتار برخی از اهرافانمان در نمی‌آوریم، ایده کهن‌الگوها مفید واقع خواهد شد. شخصاً از شیوه ژرفاندیشانه هستیایی<sup>۸</sup>، سروسامان دادن به کارهای روزانه را یاد گرفتم. شیوه دسته‌بندی و جداسازی او در انجام همین کارهای پیش‌پا افتاده، از

1 -Artemis

3 -Hera

5 -Aphrodite

2 -persephone

4 -Demeter

6 -Hestia



منظر معنوی و نمادین معنادار است. به آتنا و آرتمیس که قدرت متمرکز شدن بر هدف را دارند، حسودیم شد، حال می‌فهمیدم که چرا بیشتر مردان یادگرفته‌اند که "به روی خودشان نیاورند" و به عبارتی فقط بر هدف متمرکز باشند. از این دو کهن‌الگوی ناوابسته یاد گرفتم که تعارض و ناسازگاری ضروری و حتی گاهی مثبت بوده، و نباید که از شخصیت فرد حذف شود.

زن پس، مثلاً وقتی دلم برای گفتگویی صمیمانه و خودانگیخته و جاری می‌رکشید، می‌دانم که این آفرودیت است که مرا فرا می‌خواند. گویی یک طعه موسیقی زیبا نواخته شده، می‌دانم که این آفرودیت است که هر یک از اعضای نوازندگان را از قالب‌های شخصی‌شان به درآورده، به نواختن هماهنگ این طعه پیرانگیخته است. وقتی نیاز به خلوت و ژرفاندیشی داشته باشم، هستم را برمی‌آورد. وقتی سهامت مواجهه با بخشی از خود و یا دیگر زنان را می‌بینم، به زن خوب، آرتمیس می‌افتم.

اینکه اول حقیقت رخ می‌دهد، متصور شدن حقیقت، چندان مهم نیست. همان‌طور که جین هوستون در "سرسر" یا "نوشته"، همیشه به یک اسطوره در ذهن خود فکر کرده‌ام. چیزی که انگار هیچ وقت نبوده و در عین حال، همیشه رخ می‌نماید. "همان‌گونه که ما خود را از عینای به دور از عدالت بیرون می‌کشیم، کهن‌الگوها کتاب، مسیری جدید را در برابرمان می‌گشایند. راههایی نوین برای دیدن و شدن.

شاید شما هم اسطوره‌ای بیابید که حقیقت را بر شما می‌گشاید.

گلوریا اشتاینم

## مقدمه‌ای بر سی‌امین سالگرد چاپ کتاب

کتاب نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی زنان در سال ۱۹۸۴ برای اولین بار به چاپ رسید. رویکرد روانشناسانه این کتاب درباره زنان، مبتنی بر اسطوره‌ها و کهن‌الگوها، کهن‌یونانی است که قدمتی بیش از سه هزار سال داشته‌اند. چاپ اول کتاب در فهرست پرفروش‌ترین‌ها قرار گرفته و به سرعت کمیاب شد.

کتاب نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی زنان دربرگیرنده کلیتی از دانسته‌های من در مقال «روانپزشک، تحلیل‌گری یونگی و ضمناً یک فمینیست»<sup>۱</sup> است. در هر سه مورد، به‌یاد می‌آورم که در آن زمان، هر سه مورد را شاهد بودم که نظام داوری‌کننده پدرسالارانه، مردان تشویق و یا رد قرار می‌داده است. ضمناً متوجه الگوهای روان‌شناختی شدم که نشان می‌دادند، چگونه یک زن نسبت به حوادث ناخواسته و یا فرصت‌های زندگی، «کسر» عمل نشان می‌دهد. هنگامی که به ادبیات اسطوره‌ای یونانی علاقه‌مند شد، متوجه همانندی قابل توجه ایشان با شیوه تفکر خود گشتم. دیدم که در مجموع صاحب‌گستره‌ای از خصایص انسانی‌اند. در اسطوره‌هایی که از کهن‌الگوها یونانی وجود داشت، هر کهن‌الگویی ویژگی‌ها و ارزش‌های متفاوتی دارند، و در مجموع صاحب‌گستره‌ای از خصایص انسانی‌اند. خصایصی چون رقابت‌جویی و خردمندی. از اینک توانستیم این ارتباط را برقرار کنیم، بسیار هیجان‌زده شدم. همان احساسی را داشتم که، «ایتم»<sup>۲</sup> یک باستان‌شناس، از کنار هم قرار دادن قطعه سفال‌های دیرینه‌ای پیدا می‌کند که بر هر تکه آن جمله‌ای است، اما با در کنار هم نهادن قطعات، شعر کامل آن مشخص می‌گردد. بسیاری از خوانندگان این کتاب نیز اعلام کرده‌اند، با خواندن کتاب، نکاتی بر ایشان افشاء شده و «آها!»<sup>۳</sup>هایی گفته‌اند، چون نمونه‌هایی زنده از کهن‌الگوهای را، که از خلال اعصار همچنان زنده‌اند با چشمان خود دیده‌اند. و

اینکه نظریه کهن‌الگوها تجلی‌بخش قسمت‌های پنهان شخصیت ایشان بوده و در نتیجه خواندن کتاب، زندگی‌شان متحول گردیده است.

پیام و کتاب نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی زنان در سراسر اروپا، آفریقا، ژاپن، کره جنوبی، تایوان، روسیه جدید، و بسیاری از دیگر کشورها بارها تجدید چاپ گردیده است. حقوق زنان از جمله حقوق بشر است. در بسیاری از کشورهای دنیا، زنان از کمترین حق و حقوق نیز برخوردار نیستند. مرزهای جغرافیایی موانع بسیاری بر سر راه آزادی و حقوق بشر قرار می‌دهند، اما همین مبر باعث می‌شود تا زنان قدرتمند گردیده و کیفیت زندگی خود را بهبود بخشند. نمی‌توان جلوی آراء و اندیشه‌ها را گرفت. این کتاب دربردارنده آن گونه‌ای از روانشناسی است که به زنان کمک می‌کند تا انتخاب‌های خود را کرده، خود را به دیده قهرمانان استن زندگی خویش دیده و در آن تغییری ایجاد کنند. همین امر تأثیر بسزایی بر کل جهان دارد.

زنان کشورهای غربی، برای بالغانی که دن بالقوه‌های خود، و فراهم کردن یک زندگی سالم و شاداب، مرکز و اپیش از این، چنین فرصت مغتنمی نداشته‌اند. برای داشتن یک زندگی معنادار، باید کاری را که شخصاً دوست داریم، برای کسی که دوستش داریم و احترام و استمان دارد، انجام داده و با ارزش‌های خودمان زندگی کنیم. وقتی که ارزش‌ها ما، شهامت، مهربانی، همدردی، عدالت‌خواهی و خدمتگزاری باشند، آن‌گاه که می‌کنیم تا دنیايمان به جای بهتری برای زیستن تبدیل شود. هنگامی که آدم‌ها خود - تخریب‌گرند و به سیاره زمین و همه آدم‌ها آسیب می‌رسانند، آن‌چه ما می‌کنیم، مضرتر است.

نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی زنان، همان امکانی است که من نامش را مفهوم روانشناسانه دوهسته‌ای<sup>۱</sup> زنان گذارده‌ام. از خلال دو چشم به دوانگاره می‌نگریم، و بعد در مغزمان تصویری سه بعدی تشکیل می‌شود. در سطح آگاهی

روانشناسانه به جایی رسیده‌ایم که باید به دو قدرت عظیم شکل‌دهنده زندگی زنان ارزشی برابر و هم‌ارز دهیم: یکی کهن‌الگوهای که درون ما هستند و دوم فرهنگ خانواده، جامعه و مذهب. هر یک از ما برای آن که انتخابی آگاهانه داشته باشیم، می‌بایست درباره هر دو حیطة، آگاهی و اطلاعات کافی داشته باشیم.

در کتاب نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی زنان، ویژگی‌هایی را برشمارده‌ام که معرک، هر یک از کهن‌الگوها هستند. نمادها و اصل و نسب ایشان را ذکر کرده‌ام، اینکه منم که اسطوره‌های کهن ایشان را باز تعریف می‌کنم. سپس کهن‌الگوها را که کهن‌الگو را معرفی می‌کند، و ویژگی‌های شخصیتی هر یک را برمی‌شمارم، اینکه کهن‌الگوها در مراحل مختلف زندگی زنان از چه قرارند. تمامی کهن‌الگوهای نهر الگوها به طور بالقوه، ویژگی‌های سایه‌داری<sup>۱</sup> دارند، که می‌توانند به نشانگان بی‌آرامی من شوند، و برخی از این ویژگی‌های سایه‌دار، برای دیگران تعارضات و مشکلاتی را فراهم می‌کنند. از آنجایی که تک بعدی شدن و صرفاً با یک کهن‌الگو مشخص تردید، من را دچار معلولیت و محدودیت می‌کند و آچاره نمی‌دهد که زنی کامل شوم، و اینکه جنبه‌های سایه‌وار منفی هستند، در بخش انتهایی کتاب، به نام "رامهای رشد"<sup>۲</sup> به آن می‌پردازیم.

قدرت هر یک از کهن‌الگوها، در افراد مختلف متفاوت است و ضمناً عملکردهایی متفاوت دارند. برخی انسان‌ها نوع موسیقی را دارند، و همگی در میزان هوشبهر و شرایط جسمانی متفاوتند. ارتقاء و یا التماس عمیقاً در وجودمان هست، می‌تواند منبعی از سرور و شادکامی را برایمان فراهم سازد. کهن‌الگوهای کهن‌الگوها نیز بسته به اینکه در کدام زن فعال باشد، نیازهای متفاوتی را ایجاد می‌کنند: خودمختاری، خلاقیت، اقتدار، چالش‌های هوشمندانه، معنویت، مسائل جنسی، و ارتباطات. از همین روست که به سمت

1 - Shadow aspects

2 - Ways to Grow

مشاغل، حیطة‌های تخصصی، رفتارهای سیاسی، پزشکی یا نمایشی کشیده می‌شویم؛ به سمت معشوق داشتن، مادر بودن، ازدواج کردن یا تنها ماندن سوق پیدا می‌کنیم. اینکه اجازه دهیم تا فاعلان و در راستای کهن‌الگوی درونمان زندگی کنیم یا نه، زندگیمان معنیافته، سرشار از شادی و یا اندوه می‌شود.

پنج سال پس از چاپ کتاب نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی زنان، به عبّاتی در سال ۱۹۸۹، کتاب نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی مردان<sup>۱</sup> را تألیف کرده‌ام. هنگامی که در باب کهن‌الگوها درون زنان سخنرانی یا صحبتی داشتم، مردان از من پرسیدند: "پس ما چه؟" بسیاری از ایشان کتاب نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی زنان را خوانده و شناخت بهتری درباره زنان زندگی خود پیدا کرده بودند. بسیاری از مردان متوجه شده بودند که به سمت زنان خاصی کشیده می‌شوند، سویی هستند. از وجودشان بر زنانی خاص فراقنسی می‌شد. حتی با برخی مردان مواجه شدم که اظهار می‌کردند، فهمیده‌اند که کهن‌الگویی کهن‌الگویی در درون ایشان حضور دارد. کتاب نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی مردان را می‌نوشتم، باز هم با جنبه‌های دیگری از خود آشنا می‌شدم. با خود گفتم مجموعه این دو کتاب چنین غنایی می‌تواند داشته باشد - نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی زنان و مردان که در بر انسانی می‌زیند.

بین‌دینودا، بولن MD

مارس ۲۰۱۴